۱۳



ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت

سال دوم / شماره سیزدهم / فروردین ۱۳۹۶

راوی به لطف خدا یک ساله شد

بسم الله الرحمن الرحیم

نشریه راوی

اولین نشریه مستقل اهل سنت

راوی

ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت
سال دوم- شماره سیزدهم - فروردین ۱۳۹۶

جمادي الثانيه -رجب - ١٤٣٨
March - April 2017



فهرست



سخن حکیمانه

عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم : «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ ؟» قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ»

(ترمذي - ابوداود)

ابودرداء می فرماید: رسول الله -صلی الله علیه و سلم- فرمود: آیا امری را به شما بگویم که از درجه نماز و روزه و صدقه بهتر باشد؟ فرمودند بله ای رسول الله ، پیامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمود: ایجاد صلح بین مردم بهتر از نماز و روزه و صدقهاست! اما فساد و آشوب انداختن بین مردم تراشنده دین است.

منظور نماز و روزه و صدقه سنت است



ماهنامه سیزده راوی



ابراهیم احراری خلف

سر مقاله:

بسم الله الرحمن الرحیم

مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ (شوری: ۲۰)

خداوند رحمان می فرماید: «هرکس با کارهایی که انجام می دهد به دنبال پاداش اخروی باشد بگونه ای حقوقی که مربوط به الله می باشد را ادا کرده و در راه دعوت به سوی دین انفاق نماید، در اعمال خوب و صحیحش خیر و برکت قرار می دهیم و پاداش کارهای حسنه اش را یک به ده و بیشتر از آن اگر بخواهیم می دهیم. اما اگر کسی با کارهایی که انجام می دهد فقط به دنبال منافع دنیوی باشد، آنچه قسمتش در دنیا باشد به وی خواهیم داد در حالی که هیچ پاداشی در آخرت برایش نیست!!! »

التفسیر المیسر اعداد نخبة من العلماء صفحة ۴۸۵

سپاس الله حکیم را که این توفیق را نصیب نویسندگان و فعالان ماهنامه راوی نمود که با ارائه سیزدهمین شماره این نشریه بتوانند به عهدی که داشته اند عمل نموده و یک سال را با کوشش هرچند اندک اما فقط و فقط به خاطر الله در تهیه و نشر این مجموعه اقدام نمایند. در روزگاری که بسیاری برای حتی تبلیغ یک دستور از دستورات دینی که دعوتگران آن نباید بدنبال مزد و مقام و شهرت باشند، کیسه هایی از طمع بردوخته اند! شاهد بودم: «**عزیزان راوی**» در طی این یک سال بدون دریافت هیچ مزد و مقام و شهرتی و یا حتی تشویق از جانب آنانی که رگ حیات خود و خانواده و وابستگانشان به دعوت اسلامی گره خورده است با دشواری ها موجود و بضاعت محدود تلاش خویش را به کار گرفته تا بتوانند اولین نشریه آزاد و مستقل و بدون سانسور اهل سنت ایران را تقدیم خوانندگان در سراسر جهان نمایند و این افتخار را هم نصیب این بنده ناتوان بنمایند که اسما به عنوان مدیر مسئولی این گوهر ارزشمند و قسمتی از میراث اهل سنت مظلوم ایران باشم. بدین سبب هم بر اساس قاعده شکر نعمت، شکرگزارم و هم بر اساس اصل شکر از مخلوق از همه تلاشگران «مجموعه راوی» سپاسگزارم و هم از همه خوانندگان به ویژه جوانان پاک و حماسه آفرین که با مشورت ها و تکثیر و معرفی این مجموعه های ارزشمند قدردانی می نمایم به امید آنکه روزی را شاهد باشیم که در کشور عزیزمان ایران در آزادی کامل و بدون محدویت های فرقه ای و قومی، روزانه شاهد ده ها روزنامه، هفته نامه، ماهنامه، فصلنامه و



نشریات ویژه اهل سنت در کیوسک های روزنامه فروشی باشیم.

آنچه برایم جالب و تحسین برانگیز جلوه نمود، با وجود جوان بودن نویسندگان و تجربه اندک شان، تنوع مقالات و نوشتارهای علمی، تحقیقی، تاریخی و عقیدتی «عزیزان راوی» بود که با استقبال کم نظیر خوانندگان در داخل و خارج ایران حتی در میان مردم شریف افغانستان و تاجیکستان مواجه شد.

بر اساس شمارنده تلگرام راوی، تعداد دفعات دانلود نشریه در طول سال ۱۳۹۵ بیش از ۵۰۰۰۰ دانلود بوده که این رقم به جز دریافت مجله از پیام رسان های واتساپ، تلگرام بدون فوروارد و سرورمدیافایر و راه های دیگر بوده است.

بر اساس شمارنده تلگرام راوی، تعداد دفعات دانلود نشریه در طول سال ۱۳۹۵ بیش از ۵۰۰۰۰ دانلود بوده که این رقم به جز دریافت مجله از پیام رسان های واتساپ، تلگرام بدون فوروارد و سرورمدیافایر و راه های دیگر بوده است.

این آمار نشانگر تشنگی جامعه و توجه شان به مطالب و تحقیقاتی هست که سال ها از آن دور مانده اند و طالب دانستن آنها هستند و شناخت راه هایی که آنان را به مقصد اصلی رهنمون سازد. از طرفی این نوید را هم به همه جوانان اهل سنت از دانش آموزان و دانشجویان یا اساتید بدهم که با فراهم شدن زمینه های مناسب در فضاهای مجازی لازم است همت خویش را بکار بگیرید و آستین همت را بالا زده و بدون توقع کمک یا تشویق دیگران وارد میدان دعوت شوند و گام های استوار و حساب شده ای را در جهت بیداری و آگاه سازی خود و سایرین بردارند و هرگز و هرگز بدنبال حمایت و یا تشویق کسانی نباشند که دین خدا را دکان کسب و کار دنیایشان گردانیده اند و یا سیاستمدارانی که روشنفکری و مسئولیت را برای بالا رفتن از نردبان های ثروت و قدرت و شهرت بکار می گیرند یا به اصطلاح دعوتگرانی که بدنبال استحکام و گسترش حزب شان بوده و برای منافع حزبی و یا گروهی و یا فرقه ای حاضر به هر معامله و یا خیانتی هستند!

اولین گام و یا پله ای که یک دردمند و بنده الله در مسیر دعوت باید بردارد همان گام و اقدامی هست که رسول رحمت و حکمت - درود الله برایشان باد- برداشت... آن هم درست در زمانی که تمامی درها بظاهر در برابر ایشان -صلی الله و علیه و سلم- و یاران جان فدایشان -رضی الله عنهم- بسته شده بود و فشارهای مشرکان، مستبدان، دین سازان، خرافه پروران و اشراف مکه به اوج خود رسیده و هر لحظه بیشتر و طاقت فرساتر می شد... غربت و تنهایی و سایه های مرگ و فقر و محرومیت و تبعید و زندان و شکنجه بر بالای سرهایشان به بالاترین سطح امکان رسیده بود... (فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * حجر:۹۴) «دعوت حقانی را که الله تو را بدان امر فرموده آشکار کن و توجهی به مشرکان نکن و به آنان اهمیت نده.

التفسير الميسر اعداد نخبة من العلماء صفحة ۲۶۷

(فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ* هود: ۱۱۲) ای پیامبر! پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده نیز چنین کند...

پرودگار در ادامه می فرماید: (وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ * هود: ۱۱۳) به سوی این کافران ستمگر و مشرک تمایل ننموده و تسلیم نشوید که اگر چنین کردید، آتش جهنم شما را فرا می گیرد و جز الله، احدی نمی تواند شما را یاری نموده و کارهایتان را بعهده بگیرد که در این حالت هرگز یاری و کمک نخواهید شد.

التفسير الميسر اعداد نخبة من العلماء صفحة۲۳۴

(وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ * قلم: ۹) ستمگران و ظالمان در برخی از عقاید و رفتارشان که دارند، آرزو کرده و دوست دارند اگر شما نسبت به آنان با نرمش و تملق و خود فریبی و نمایش برخورد کنید تا آنان هم با شما به همانگونه برخورد نمایند.

التفسير الميسر اعداد نخبة من العلماء ۵۶۴

با شروع سال دوم «ماهنامه راوی» امیدوارم الله مهربان رحمت هایش را از ما دریغ ننماید و این چشمه و عمل صالح را همچنان جوشان و خروشان و ثمر بخش بگرداند و از همه خوانندگان گرامی هم این انتظار را دارم ما را در این مسیر تنها نگذاشته به پیشنهادات و مقالات ارزنده و دعاهایشان یاری نمایند.



خلافت علی مرتضی

قسمت اول



عامر عالی

مقدمات واقعه جمل

علی بن ابی طالب رضی الله عنه می فرماید: پیامبر امی به وی فرمود: قسم به کسی که دانه را شکافت و روح را آفرید، دوستت ندارد مگر مومن و با تو دشمنی نمی کند مگر منافق.

مردی نزد سیدنا علی آمد و گفت می خواهند امیرالمؤمنین عثمان را بکشند و علی برخواست، محمد بن الحنفیه گفت از ترس اینکه او را هم نکشند کمرش را گرفتم، علی گفت ای بی مادر رهایم کن. وقتی علی وارد خانه شد و عثمان رضی الله عنه کشته شده بود. سپس مهاجرین و انصار وارد خانه شدند و گفتند اکنون که ما خلیفه نداریم باید تو امیر ما شوی ایشان مخالفت کردند و گفتند اگر وزیرتان باشم بهتر است از آنکه امیرتان شوم. ولی صحابه اصرار زیادی کردند سپس ایشان فرمود پس بیعت باید در مسجد باشد، من پنهانی از کسی بیعت نمی گیرم.

ایشان در سن ۵۸ سالگی در میان تلاطم فتنه و آشوب زمام خلافت را به دست گرفت. و کسانیکه بر خلیفه حق یعنی عثمان بن عفان خروج کرده بودند به ناچار با وی بیعت کردند.

بعد از اینکه ایشان به خلافت رسید همه اصحاب خوشحال شدند که با به خلافت رسیدن علی می توان انتقام خون عثمان را گرفت و خارجیان و طغیانگران را سرکوب کرد.

اهل حرمین از روی محبت و اطمینان به علی بیعت دادند اما اهل کوفه و بصره به خاطر فرار از قصاص با علی بیعت کردند و خود را فدایی ایشان نامیدند.

پس از آن خبر به همه مناطق رسید که سیدنا عثمان شهید شده و علی بن ابی طالب خلیفه جدید تعیین شده است. ام المومنین عایشه در راه بازگشت از حج خبردار شد که سیدنا عثمان شهید شده است و اوباش هنوز در مدینه هستند به همین خاطر به مکه بازگشت و وارد مدینه نشد. و همانند همه مسلمانان از این حادثه شوکه شده بود با خود عهد کرد که انتقام خون عثمان را بگیرد. به ویژه که ایشان شنیده بود برخی از این اوباش نامه هایی به اسم صحابه جعل کرده بودند که از مردم شهرهای کوفه و بصره و مصر خواسته اند که به مدینه بیایند و علیه عثمان شورش کنند و حتی وی را به قتل برسانند.

و طلحه و زبیر که از عشره مبشره بودند نزد علی رفتند وبه وی گفتند که رای ما این است که هر چه زودتر قاتلان عثمان را قصاص کنیم ولی سیدنا علی فرمود به خدا که شما بر این امر آگاهتر از من نیستید و من هم رای شما را دارم ولی باید



منتظر بمانیم تا امور آرام شود، آیا می دانید که آنها قدرتشان از ما بیشتر است و آنها با افراد قبیله و طایفه های خود آمده اند و امروز دلها در جای خود نیست؟ گفتند بله! علی گفت آیا با این شرایط توانایی قصاص را دارید آنها گفتند خیر سپس علی فرمود پس صبر کنید تا امور آرام شود و خلافت و حکومت قوی شود.

طلحه و زبیر صبر کردند و چهار ماه گذشت ولی کما کان اوباش در مدینه حضور داشتند و سیدنا علی هم نمی توانست آنها را قصاص کند. به همین منظور سیدنا طلحه و سیدنا زبیر نزد امیر المؤمنین رفتند و از ایشان اجازه خواستند که به کوفه و بصره بروند تا بتوانند راه حلی برای این معضل پیدا کنند. ایشان هم آنها را از رفتن به کوفه و بصره منع نکرد .

اما در شام اخبار و شایعات زیادی منتشر شده بود و معاویه که خود را پسر عموی عثمان می دانست از علی خواسته بود که قاتلان را به وی تحویل دهد یا قصاص کند سپس وی نیز بیعت خواهد داد. و گفت چگونه با تو بیعت کنم و قاتلان عثمان در صف سربازان تو ایستاده اند.

همین اختلاف در وقت اجرای حکم باعث اختلاف میان صحابه شد. سیدنا علی می فرمود ما توانایی جنگیدن با این تعداد زیاد را نداریم که تعدادشان به صدها نفر می رسید چون اینها قوم و قبیله دارند و باعث جنگ داخلی بین مسلمانان می شویم. و نباید کسی را کشت که مرتکب قتل نشده یا همکار در قتل نبوده و تشخیص این امر بسیار دشوار است. به همین خاطر، عدم قدرت در اجرای حکم، خود عذری برای خلیفه مسلمین، در عدم قصاص قاتلان بود. اما اهل شام اصرار زیادی داشتند که حتما قاتلان را باید به آنها تحویل دهد.

سپس طلحه و زبیر به مکه وارد شدند و عبدالله بن عامر والی بصره در زمان عثمان هم به مکه آمده بود و یعلی بن امیه که والی یمن در زمان عثمان بود برای نجات خلیفه محاصره شده با سربازان و سلاح و اموال زیادی به طرف مدینه در حرکت بود که هنگام رسیدنش به مکه سیدنا عثمان به شهادت رسیده بود و وی نیز در مکه مانده بود.

این افراد پس از مشورت گفتند که ما به شهرها می رویم و مردم را از حقیقت این اوباش آگاه می سازیم و از منکری که انجام داده اند، خبردارشان می کنیم تا بتوانیم از این منکر جلوگیری کنیم و این مشکلی که پیش آمده را اصلاح کنیم. سپس از هر شهری سربازان و همراهانی جمع آوری می کنیم و مدینه را محاصره می کنیم و قاتلان عثمان را از میان ارتش علی بیرون می آوریم و قصاص می کنیم و مشکل حل خواهد شد. چون اگر این کار نشود همین طیف از آدمها هر بار که از خلیفه ای خوششان نیامد وی را خواهند کشت و این به سنتی سیئه در میان مسلمانان تبدیل خواهد شد.

این شد که آن گروه از اصحاب و افراد همراه وی تصمیم گرفتند که به سوی بصره حرکت کنند و از آنجا انصار و اعوان علیه اوباش شورشی در مدینه جمع کنند.

عثمان بن حنیف که والی بصره بود به ام المؤمنین فرمود چه چیزی شما را به این شهر آورده است ایشان فرمود آمده ام که بین مردم اصلاح کنم

سپس ام المؤمنین به ابوموسی اشعری که توسط علی به عنوان والی کوفه تعیین شده بود نامه نوشت و فرمود ما به قصد اصلاح آمده ایم و به مردم بگویید از خانه هایشان خارج نشوند.

سپس ام المؤمنین برای مردم بصره خطبه ای ایراد کرد و طلحه و زبیر از بزرگان بصره خواستند به آنها بپیوندند تا قاتلان عثمان را قصاص کنند. به همین خاطر تعداد زیادی از مسلمانان بصره و اهل دین و تقوا به لشکرگاه طلحه و زبیر پیوستند و تعدادشان به حدی زیاد شده بود که عثمان بن حنیف والی بصره توانایی مخالفت با آنها را نداشت.

در این هنگام حُکَیم بن جَبَلَه که یکی از رهبران قاتلان عثمان بود به دوستان خود گفت ما دیگر جایی در بصره نداریم و اینها حتما ما را خواهند کشت پس تا دیر نشده از خودمان دفاع کنیم.

حکیم بن جبله و همراهانش به سپاه ظلحه و زبیر حمله کردند. در ابتدا صحابه می خواستند که جنگی صورت نگیرد و از مردم می خواستند کسی را نکشند و فقط برای دفاع از خود شمشیرهایشان را بیرون بیاورند. ولی حکیم و یارانش دست بردار نبودند تا اینکه برای صحابه مشخص شد که اینها همان قاتلان سیدنا عثمان هستند سپس دستور دادند که با آنها بجنگند و به اهل بصره هم اعلام کردند: هرکسی در میان شماست و در هجوم به خانه خلیفه و قتل وی دست داشته وی را اخراج کنید تا ما وی را قصاص کنیم.

طلحه و زبیر دعا کردند که خدایا هیچ یک از قاتلان عثمان را زنده نگذار. در آن روز بیش از ۷۰ تن از عاملان به شهادت رساندن خلیفه مظلوم به هلاکت رسیدند و تنها کسی که توانست جان سالم به در ببرد حُرقوص بن زُهَیر بود.

مقدمات جنگ جمل

در همین اثنا سیدنا علی خود را برای حرکت به سمت بصره آماده کرد تا از واقعیت امر خبردار شود از مدینه خارج شد و فقط ۷۰۰ نفر همراه وی بودند. از مردم کوفه مدد خواست ولی ابو موسی اشعری رضی الله عنه که از طرف علی والی کوفه گمارده شده بود با خروج مخالفت کرد و سپس علی وی را عزل کرد و ابن عباس و عمار را به بصره فرستاد تا مردم برای ملحق شدن به امیر المؤمنین تشویق کنند.

پس از خطبه های عمار و حسن تقریبا ۷ هزار نفر از مردم کوفه به سپاه علی ملحق شدند و هنگامیکه مردم بصره هم از این ماجراها خبردار شدند ۲ هزار نفر به یاری خلیفه شتافتند و از میان دیگر قبایل و مناطق هم افراد زیادی به ارتش سیدنا علی ملحق شدند که در زمان درگیری تعداد آنها به ۱۲ هزار نفر رسیده بود.

وقتی که اهل کوفه با سیدنا علی در منطقه ذی قار ملاقات کردند سیدنا علی به آنها گفت بیاید به سوی برادرانمان در بصره برویم و این مسآله را حل کنیم اگر آنها پشیمان شدند که ما خدا را شکر میکنیم اگر نشدند، ما با مهربانی و نرمی با آنها صحبت میکنیم و از هیچ کار و سخنی که در آن خیر و صلاح باشد فروگذار نمی کنیم. و از آنها جدا می شویم تا اینکه به ما ظلم کنند. ان شاء الله ولا حول ولا قوة إلا بالله.



فرصت ها و توانایی های اهل سنت ایران برای بهبود اوضاع خویش

قسمت اول



انعام دهواری

عنوان مقاله شامل چند ترکیب متفاوت است که من هر یک را جداگانه توضیح خواهم داد و در این بین، مقدمه ی این مقاله را نیز توانسته ام بگنجانم.

تحلیل موضوع مقاله:

فرصت ها و توانایی ها:

تا جایی که بتوان به بیان تفصیلی ان ها در ادامه خواهم پرداخت. گو آن که موضوع اصلی مقاله نیز این است و در ادامه خواهیم دید که تفاوت «فرصت» و «توانایی» چیست.

اهل سنت ایران:

آن را محدود به جغرافیای سیاسی ایران کرده ام اما چه چیزی را؟

همانطور که در دایره اصطلاحات، ممکن است واژه ها، معانی لغوی خود را از دست بدهند. در حوزه های متفاوت یک کلمه می تواند چندین معنا داشته باشد.

«طهارت» در احکام اسلامی، اصطلاحی است که معنای مشخص و معینی برای فردی که قصد دارد نماز بخواند دارد. اما «طهارت» در پزشکی برای یک جراح قبل از عمل جراحی معنای دیگری دارد.

همین طهارت در عرف مردم باز معنای متفاوت دیگری دارد. اگر چه برای همه این تعاریف میتوان معنایی مشترک یافت (که همان معنای لغوی آن خواهد بود) اما هیچ کدام بر دیگری غلبه ندارد. با وجود اینکه اصطلاح عرفی طهارت به طهارت در احکام اسلامی و در پزشکی مسبوق است (قدیمی تر است) اما نمی توان گفت آن اصل است. بلکه معنای یک کلمه را فقط در همان زمینه ای که استفاده شده، میسنجیم.

این اتفاق را میتوان برای معنای اهل سنت هم در نظر گرفت. یعنی مجال تعریف آن را باز کنیم.

شاید عده ای اعتراض کنند که «اهل سنت»یک معنای اصل دارد و آن چیزی است که پدید آورنده آن یعنی «شریعت اسلامی»، تعریف نموده است و از لحاظ شرعی جایز نیست که یک اصطلاح به ذات دینی را تبدیل به یک اصطلاح عرفی و متغیر کرد. این اعتراض را می توان اینگونه جواب داد که «تبدیلی» وجود ندارد.

معنی شرعی اهل سنت در جایگاه خود کاربرد اساسی خود را خواهد داشت. وانگهی حتی در شریعت اسلامی، تاثیر عرف بر این تعریف شرعی وارد شده است.

در کتب علمای مسلمین از اصطلاحاتی مانند «اهل سنت به معنای عام و اهل سنت به معنای خاص»

استفاده گردیده است.

اهل سنت به معنای خاص همان معنای شرعی دقیق اهل سنت است که با «فرقه ناجیه»نیز شناخته می شوند. (۱) اما اهل سنت به معنای عام چه کسانی هستند؟ برخلاف معنای اهل سنت خاص که برای آن نصوص عینی دینی وارد شده است، اهل سنت عام، اجتهادی از علمای دین بوده و در آن نیز اختلاف داشته اند.

عده ای اهل سنت به معنای عام را اینگونه تعریف کرده اند: هر کس که شیعه نباشد، سنی است. حال فرق نمی کند اشعری باشد یا ماتریدی و یا اهل حدیث.

البته این گفته ها بعد از این مرحله است که خواننده قانع شود اصلا آیا چیزی به نام اهل سنت به معنای عام (شمول پذیر) وجود دارد یا خیر؟ پاسخ این است که در کتب علمای مسلمان به وفور یاد شده است.

عده ای اهل سنت به معنای عام را اینگونه تعریف کرده اند: هر کس که شیعه نباشد، سنی است. حال فرق نمی کند اشعری باشد یا ماتریدی و یا اهل حدیث.

عده ای دیگری نیز گفته اند: اگر در سرزمینی اهل سنت به معنای خاص (فرقه ناجیه) وجود نداشت، اهل سنت به معنای عام به عنوان اهل سنت آن منطقه شناخته می شوند و این همان تاثیر عرف بر معنای اهل سنت است.

از بیان تمام آرا در این مورد صرف نظر می کنم چون به مقصد رسیده ایم و آن اینکه می توان تعریفی عرفی از اهل سنت ارایه داد و این هیچ تضادی با معنای شرعی آن (فرقه ناجیه) ندارد.

در فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی ایران؛ ما نیز به چنین تعریف جدیدی از اهل سنت نیاز داریم و آن اینکه هر کس که خود را اهل سنت بداند و شیعه نباشد، یک سنی است. اینکه چقدر به فرقه ناجیه نزدیک باشد یا دورترین فرد به فرقه ناجیه باشد فرق نمی کند بلکه مهم این است که ما او را اهل سنت (به معنای عام) بدانیم.

بهبود اوضاع خویش:

این ترکیب دو رکن اساسی دارد. یکی اوضاع فعلی است که همگی بر لزوم تغییر آن متفق القول هستیم و دیگری اوضاع بعدی است که به دنبال آن هستیم و روند رسیدن اوضاع فعلی به اوضاع بعدی را «بهبود» نامیده ایم.

الف: اوضاع فعلی اهل سنت ایران

در گزارش های متعدد و مقالات فراوان، که به مقدار اندک از داخل و به مقدار بیشتر از خارج ایران منتشر می شوند به بیان این اوضاع اسف بار پرداخته شده است.

این وضعیت را بنده در نقاط زیر به صورت بسیار خلاصه جمع آوری کرده ام و یاد اور می شوم از آنجایی که موضوع اصلی مقاله این موارد نیست بنده فقط و فقط به بیان واژه های کلیدی هر بند می پردازم.

-محرومیت اجتماعی:

این مورد شامل تمامی زد و خوردهایی که در این ۳۸ سال از طرف دولت های متعدد این رژیم، برای منع اهل سنت ایران از انجام دادن مناسک دینی و



عبادیشان اعمال شده، می شود.
همچنین دستگیری و تبعید علمای اهل سنت و ترور آن ها برای ایجاد یک مانع بین مردم و رهبران دینی شان از جمله محرومیت های اجتماعی آنان است.

-محرومیت سیاسی

عدم اجازه برای هرگونه فعالیت سیاسی در ایران که قسمت کوچکی از آن برمی گردد به محرومیت های قانونیِ سیاسی اهل سنت، از جمله قانون اساسی ایران که «شیعه بودن» را شرط لازم برای رئیس دولت بودن، می داند و قسمت های بزرگتر از آن برمی گردد به محرومیت های سیاسی دیگر اهل سنت که قوانین نانوشته اند. همچون عدم تعیین سفیران کشور از جمعیت بیست میلیونی اهل سنت یا عدم تعیین استاندارهای سنی برای استان هایی که غالبیت آنها اهل سنت اند.

-محرومیت اقتصادی

از آنجا که اقتصاد قدرت است و رفتاری که با اهل سنت ایران در این چهار دهه شده تماما در جهت عدم قدرت یافتن شرعی و قانونی آن ها بوده است، ضربه ی اقتصادی بعد از ضربه های اجتماعی بزرگترین ستمی بود که به اهل سنت ایران وارد شد.

چهل سال از حکمرانی این رژیم می گذرد اما هر روز به پهنای استان های محروم افزوده می شود. سیستان و بلوچستان از لحاظ درصد رشد، فرقی با قبل از انقلاب نکرده است و حال اینکه بندر چابهار که یک موقعیت عالیِ استراتژیکی است شاهد اعمال سیاست های ضد سنی گرایانه است.

از جمله پروژه دولت برای انتقال جمعیت به شهرستان چابهار در جهت در اقلیت قرار دادن اهل سنت و بلوچ های شهرستان چابهار. این موردی است که به صراحت بیان شده است و اسناد فاش شده ی ویکی لیکس هم نیست. (۲)

اهل سنت به دلیل جمعیت بالای خود و قرار گرفتن در شهرهای مرزی، در بین تمامی اقلیت های دیگر بزرگترین نگرانی رژیم جمهوری اسلامی اند و به همین دلیل خنثی کردن آن ها در اولویت های جمهوری اسلامی است.

اهل سنت به دلیل جمعیت بالای خود و قرار گرفتن در شهرهای مرزی، در بین تمامی اقلیت های دیگر بزرگترین نگرانی رژیم جمهوری اسلامی اند و به همین دلیل خنثی کردن آن ها (که در اینجا به معنی عدم تحمل رژیم جمهوری اسلامی ایران در برابر وجود اهل سنت است) در اولویت های جمهوری اسلامی است.

-محرومیت رسانه ای

از بین بیش از چهل شبکه ماهواره ای و تلویزیونی و ده ها شبکه رادیویی ملی ایران و صدها تارنمای اینترنتی و هزاران جلد کتاب و مجله نه تنها فرصتی به اهل سنت ایران برای ابراز خود داده نشده بلکه برعکس؛ حمله ی سازمان دهی رسانه ای بر آنان وارد شده است. از اهانت به مقدسات اهل سنت ایران که در کتب درسی، مجله های زرد، اپراتور های تلفن همراه، سخنرانی های تلویزیونی تا تخریب شخصیت های اهل سنت بدون دادن حق دفاع به آنان مانند مولوی عبدالحمید اسماعیل

زهـی و فیلتـر کـردن وب سـایت رسـمی ایشـان و صـد هـا مـورد دیگـر کـه در ایـن چهـل سـال در کارنامـه ایـن رژیـم ثبـت شـده اسـت.

اعدام و ترور بیش از صد عالم و اندیشمند اهل سنت، ترور هزاران جوان سنی در مناطقی که دوربین هیچ رسانه ای در آنجا نیست و حذف دانشجویان و روشنفکران اهل سنت به روش های خاموش که همگی این ها در این چهل سال رخ داده است، بیانگر بیداری دو طرف است.

-محرومیت علمی

دور از دسـترس قـرار دادن مناصـب علمـی و شـغل هایـی چـون قضاوت بـرای اهـل سـنت، رد کـردن دانشـجویان اهـل سـنت در مصاحبـه هـای ورود بـه تحصیـلات سـطح عالـی کارشناسـی ارشـد و دکتـرا بـه دلیـل اعتقاداتشـان و تفـاوت چشـم گیـر سـهمیه هـای کنکـور بـرای بومیـان اهـل سـنت ایـران و دیگـر مـردم ایـران از جملـه ایـن محرومیـت هـای علمـی مـی باشـد.

-محرومیت از حق حیات

اصـرار بـرای کسـب تمامـی حقوقـی کـه در بـالا ذکـر شـد و تـلاش بـرای رفـع ایـن محرومیـت هـا بـه یـک نقطـه منتهـی مـی شـود: «گرفتـن زندگـی آن شـخص». اعـدام و تـرور بیـش از صـد عالم و اندیشـمند اهل سـنت، تـرور هـزاران جـوان سـنی در مناطقـی کـه دوربیـن هیـچ رسـانه ای در آنجـا نیسـت و حـذف دانشـجویان و روشـنفکران اهـل سـنت بـه روش هـای خامـوش کـه همگـی ایـن هـا در ایـن چهـل سـال رخ داده اسـت، بیانگـر بیـداری دو طـرف اسـت. یکـی بیـداری دسـتگاه حاکمیـت در برابـر توانایـی هـای اهـل سـنت بـرای سـازندگی ایـن سـرزمین و دیگـری بیـداری اهـل سـنت در برابـر کارنامـه رژیـم در طـول چهـل سـال اخیـر.

همانگونـه کـه اشـاره شـد مـوارد ذکـر شـده بـالا فقـط تفسـیری از یـک بنـد در موضـوع اصلـی مقالـه اسـت و قصـد ارائـه مـدارک و شـواهد در ایـن زمینـه نیسـت.

ب. وضعیت بعدی ما

همـان هـدف اسـت کـه بـه دنبـال آن مـی گردیـم. نکتـه ی ایـن مـورد ایـن اسـت تمـام مـواردی کـه در بـالا سـعی در توضیـح آن داشـتم از جملـه «اهـل سـنت چـه کسـانی را شـامل مـی شـود» و «اوضـاع فعلـی»، همگـی تعییـن کننـده نوعیـت ایـن وضعیـت بعـدی مـا هسـتند. مـا مـی توانیـم بسـیار آرمـان گرایانـه از ایـده هـای خـود سـخن بگوییـم. اهـل سـنت خـاص از ایدئولـوژی خـاص خـود سـخن بگویـد و اهـل سـنت عـام از آرمـان هـای خـود. اینکـه مـن بـه صـورت ملمـوس از ایـن اهدافشـان سـخن نمـی گویـم بـه دلیـل اجتنـاب بنـده از انتقـاد بـه آرمـان هایشـان اسـت. امـا شـاید عـدم نبـود وحـدت بـر ایـن وضعیـت بعـدی کـه از ایـن بـه بعـد آن را «هـدف» مـی نامـم یکـی از دلایـل وجـود وضعیـت کنونـی مـا مـی باشـد.

شـاید گمـان بـرده شـود کـه هـدف همگـی مـا رفـع محدودیـت هـای اجتماعـی، سیاسـی و... اسـت امـا تلاشـی کـه هـر گـروه سـنّی بـرای آن مـی کنـد یـک تـلاش ایدئولوژیکـی اسـت. در حالـی کـه حقـوق مـردم، ایدئولوژیکـی نیسـتند. اینکـه بـرای رسـیدن مـردم بـه حقـوق اقتصـادی یـا رسـانه ای آنـان فعالیـت کنیـم را نبایـد یـک وظیفـه ایدئولوژیکـی بدانیـم.



به بیانی، سنّی چپ برای رسیدن مردم به حقوق اجتماعی شان فعالیت می کند اما این فعالیت را برای تقویت ایدئولوژی خود انجام می دهد. یک سنّی راست برای رسیدن مردم به حقوق اقتصادی شان فعالیت می کند اما این فعالیت را برای منافع ایده خود انجام می دهد.

فضای دادخواهی باید مثل آب باشد. نه رنگ، نه بوی و مزه ی خاصی داشته باشد. ما نیاز به راه مشترکی داریم که خالی از هر گونه ایده باشد.

فضای دادخواهی باید مثل آب باشد. نه رنگ، نه بوی و مزه ی خاصی داشته باشد. ما نیاز به راه مشترکی داریم که خالی از هر گونه ایده باشد. این گونه می توان گفت که توانسته ایم حقوق مردم را برای خودمان هدف قرار بدهیم و نه وسیله ای برای اهداف بلند مدت دیگر خود.

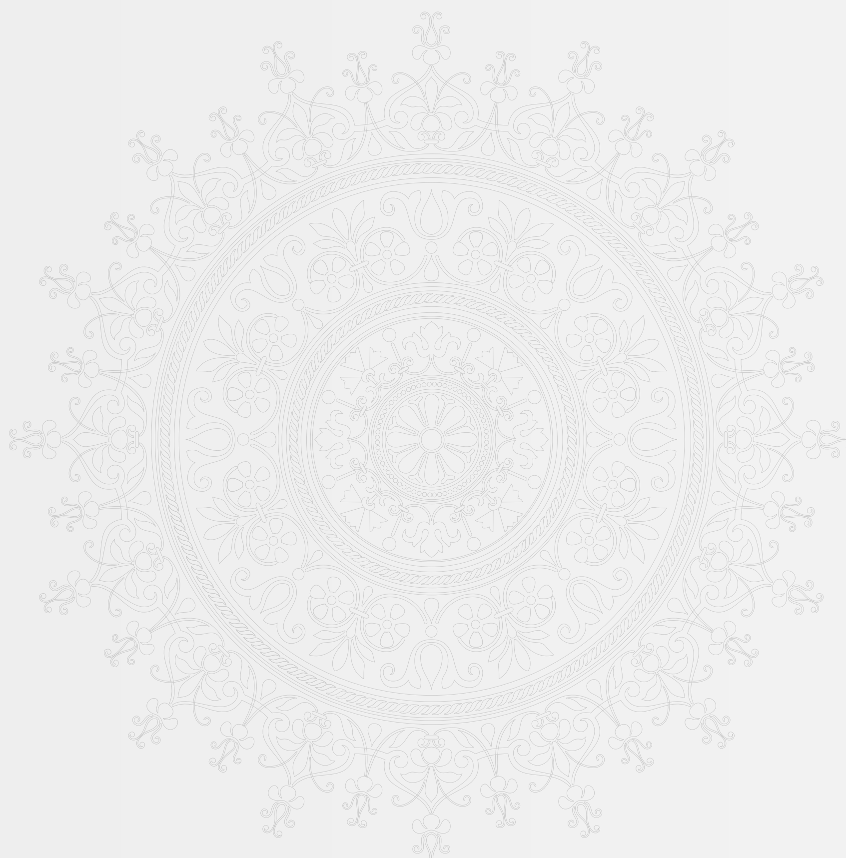
حال که ترکیب «فرصت ها و توانایی های اهل سنت ایران برای بهبود اوضاع خویش» را تفسیر کردم به بیان این فرصت ها و توانایی ها خواهم پرداخت.

ادامه دارد...

پانویس:

(۱) اصطلاح فرقه ناجیه از حدیثی نبوی نشات گرفته است.آنان که بر مسیر پیامبر و پیروان پیامبر باشند.

(۲) http://www.balochcampaign.info/?p=10736



معرفی دو چهره اهل سنت جنوب ایران



سعود عباسی

شاید خیلی از علما و مشایخ اهل سنت ایران آنقدر که در خارج از ایران معروف و شناخته شده هستند در داخل کشور شناخته شده نباشند و علت شناخته شدن آنها باز می گردد به نوع خدمت علمی و تألیفاتی که به جامعه اسلامی ارائه داده اند، در اینجا قصد دارم دو نفر از چهره های شناخته شده علمی که از دامن جامعه اهل سنت برخواسته اند را معرفی کنم.

شیخ عبدالرحمن کمالی



شیخ عبدالرحمن بن احمد بن یحیی بن محمد بن کمال بن احمد بن شمس الدین بن نورالدین الکمالی در ۷ محرم سال ۱۲۹۹ هـ . ق در روستای کاروان جزیره قشم به دنیا آمد.

نسب ایشان به انصار می رسد وگفته شده که نسب ایشان به عبدالرحمن بن عوف یکی از عشره مبشره است، می رسد.

زمانی که شیخ متولد شد روستای کاروان بعنوان یک مرکز علمی که علمای فراوانی در آنجا حضور داشتند توانسته بود جایگاه مناسبی در علم و دین پیدا کند طوریکه شاعر عمانی عبدالله خزرجی بعد از زیارت این قریه و دیدار با علماء ومدارس جزیره قشم چنین سرود:

مدحنا العلم مدحا لا نبالی
بأن وطأ الثریا حیث کانا
و قد جانعته فی الذکر حقا
فحجوا بعد مکة کاروانا

پدر و اجداد شیخ همگی از علمای برجسته جزیره قشم بوده اند چنانکه مدرسه کمالیه که مدرسه اجدادی و موروثی شیخ است بیش از ۷ قرن قدمت دارد و همواره در طول سالها علمای زیادی را به جامعه اهل سنت و جماعت تحویل داده است.

شیخ عبدالرحمن حیات علمی خود را در خانواده و بین خویشاوندان شروع کرد دروس مقدماتی وعلوم عربی را نزد پدر آموخت سپس به مدرسه رحمانیه که در آن زمان شیخ عبدالرحمن بن یوسف خالدی ملقب به سلطان العلماء در آن تدریس می کرد عزیمت نمود مدتی را در این مدرسه گذراند و از محضر این شیخ بزرگوار مستفیض

> **پدر و اجداد شیخ همگی از علمای برجسته جزیره قشم بوده اند چنانکه مدرسه کمالیه که مدرسه اجدادی و موروثی شیخ است بیش از ۷ قرن قدمت دارد**

شد سپس رهسپار مکه شد تا از علمای حرم کسب فیض نماید. وی برای تحقق هدف علمی خود مدت ۱۰ سال در مکه ماند و از محضر بیش از ۴۰ شیخ از شیوخ مکه استفاده نمود، از میان این شیوخ می توان به شیخ شعیب المالکی المغربی، از شیوخ کبار حرم، اشاره کرد که شیخ عبدالرحمن ارادت خاصی نسبت به ایشان داشت و بهترین و بیشترین استفاده در مسائل عقیدتی و علوم حدیث را از محضر ایشان برد. شیخ شعیب امام زمان خود در سنت و تفسیر بود و در فقه مذاهب نیز تبحر خاصی داشت. شیخ عبدالرحمن مدت ۱۰ سال در محضر ایشان نهایت استفاده را برد و توانست بعنوان شاگردی حاذق و باهوش علوم مختلفی را از ایشان فرا گیرد تا اینکه موفق شد دروسش را تکمیل نماید. استادانش که شور وعلاقه و استعداد ایشان را مشاهده کردند به او اجازه تدریس و افتا دادند.

شیخ عبدالرحمن پس از تألیف کتاب منظومه شهود الحق آن را در اختیار اهل علم و طلاب قرار داد. اهمیت این کتاب آنقدر زیاد هست که بر آن شرح نوشته شد و در دانشگاه ریاض کشور عربستان سعودی به عنوان پایان نامه تحقیق شد.

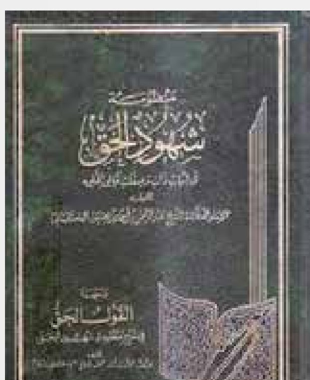
شیخ پس از بازگشت از مکه فعالیت دینی و علمی خود را آغاز نمود وبر علیه شرک و بدعت به مبارزه برخاست و در این راه نهایت جهد و تلاش خود را به کار بست.

ایشان اگرچه با مخالفتهای زیادی مواجه شد اما هرگز وظیفه دعوت و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکرد و با تلاش فراوان سعی در محو نمودن جوهره شرک و بدعت و خرافات از عقیده مردم نمود و در این راه از وسایل عدیده ای چون تعلیم، القا و تألیف کتاب بهره جست.

یکی از تألیفات ایشان که در مبحث عقیده است و در آن ادله منکرین صفات خدا را باطل کرده است و مهملین در توحید را رسوا ساخته است منظومه شهود الحق می باشد.

شیخ عبدالرحمن این کتاب را به صورت منظوم به زبان عربی و با بلاغت خاصی تألیف کرده و دکتر شیخ محمد رشاد اسماعیلی در کتاب القول الحق آنرا شرح داده است.

شیخ عبدالرحمن پس از تألیف این کتاب آنرا در اختیار اهل علم و طلاب قرار داد. اهمیت این کتاب آنقدر زیاد هست که بر آن شرح نوشته شد و در دانشگاه ریاض کشور عربستان سعودی به عنوان پایان نامه تحقیق شد، از آنجا که جو حاکم بر جامعه آنروز کاملا برعلیه شیخ بود و افراد سرشناس زیادی بر علیه وی جبهه گرفته بودند شیخ مجبور به هجرت از دیار و سرزمین مادری خود شد و جهت ادامه کار دعوت و نشر عقیده اسلامی به عمان هجرت نمود و منطقه صحار را برای اقامت و کار دعوت و تعلیم انتخاب کرد.



مردم منطقه صحار در اقامه مدرسه به او بسیار کمک کردند و هزینه های لازم جهت تعلیم و تعلم

را در اختیار ایشان گذاشتند شیخ بقیه حیات علمی خود را در عمان گذراند.

مردم در باطنه، عمان وامارات همواره فضل و کرم و تقوا و کرامات ایشان را بازگو می کنند.

وفات شیخ در مسجد قریه کاروان قشم در روز جمعه ۲۶ ذی الحجه سال ۱۳۷۸ هجری قمری در حالی که ۸۴ سال از حیات با برکت ایشان گذشته بود صورت گرفت.

شیخ کتابهایش را به عربی نوشته اند و مهمترین تالیفات ایشان عبارتند از:

۱- منظومة شهود الحق

۲- دیوان الخطب المنبریة العصریة

۳- دیوان الجواهر المرصعة فی الخطب المنوعة

۴- مواعظ السنیة لأیام شهر رمضان البهیة

۵- بغیة الواعظین و منار المتعظین

شیخ عبدالله نقشبندی کوهیجی



شاید خیلی از علما و مشایخ اهل سنت ایران آنقدر که در خارج از ایران معروف و شناخته شده هستند در داخل کشور شناخته شده نباشند و علت شناخته شدن آنها باز می گردد به نوع خدمت علمی و تألیفاتی که به جامعه اهل سنت ارائه داده اند یکی از معروف ترین این افراد شیخ عبدالله بن حسن نقشبندی کوهیجی می باشد.

یکی از علماء و بزرگان منطقه کوهیج واقع در بخش مرکزی شهرستان بستک در غرب استان هرمزگان در جنوب ایران می‌باشد که مقدمات علوم را در دار العلم کوهیج آموخت. سپس برای تکمیل معلومات راهی مدینه منوره و مکه مکرمه شد . بعد از آن به مصر مسافرت کرد و در دانشگاه (جامع الازهر) به کسب علم پرداخت و خود وی مدتی در دانشگاه عین‌الشمس مصر استاد بوده‌است. مدتی را در کشورهای عربی برای تدریس سپری کرد اما دوباره به زادگاه خود برگشت و بقیه عمر خد را در قریه کوهیج به تألیف کتاب و وعظ و ارشاد گذراند و در سال ۱۳۶۷هجریه شمسی دار فانی را وداع گفت و در همانجا به خاک سپرده شد .

تألیفات او عبارتند از :

۱- زاد المحتاج بشرح المنهاج (به عربی در ۴ جلد)

این کتاب معروفترین تالیفات اوست که در شرح کتاب منهاج امام نووی در چهار مجلد نوشته شده است و جزو بهترین کتابهاست که در فقه شافعی و در شرح منهاج به رشته تحریر در آمده و به عنوان مصادر از آن استفاده می شود.

۲- سلم السّالکین (به عربی)

۳- منظومة نیل المنی فی نظم قواعد البناء





مذهب تکفیر

قسمت دوم



عیسی طاهری

توضیح: در این بخش به تعریف ایمان از دیدگاه شیعه اشاره خواهد شد که از دیدگاه شیعه تعریف ایمان چیست؟ و آیا اهل سنت را که برادر خود خطاب می کنند در تعریف ایمان داخل می دانند یا خیر؟ و با تعاریفی که علمای شیعه در کتاب های فقهی خود در مسایل نماز و زکات به آن پرداخته و ایمان را در برخی موارد، شرط صحت و ادا دانسته اند اهل سنت را می توان جایگزین یک شیعه اثناعشری کرد؟ جهت روشن شدن این مساله به کتاب های فقهی مراجع و علمای نامدار شیعه مراجع شده است. در تعریفی که علمای امامیه از ایمان برای شرایط امام جماعت، شرایط موذن و مستحقین زکات بیان داشته اند معنای ایمان کاملا مشخص می شود. که چه کسانی مشمول ایمان هستند و چه کسانی را نمی توان در تعریف ایمان داخل کرد.

ایمان

اعتراف زبانی، شناخت و پذیرش قلبی و عمل با اعضا و جوارح را ایمان گویند که دارای شش رکن است و باور داشتن به ارکان شش گانه ایمان لازمی است تا شخص را مومن نامید. ارکان شش گانه ایمان در جاهای متعددی در قرآن ذکر شده اما شیعیان دوازده امامی رکن دیگری که هیچ اثری از آن در قرآن نیامده را به ارکان شش گانه ایمان افزوده اند رکنی که در باور مسلمانان جهان هیچ جایی نداشته و ندارد.

ایمان از دیدگاه قرآن و حدیث

ارکان شش گانه ایمان عبارتند از:

۱- ایمان به خدا

۲- ایمان به فرشتگان

۳- ایمان به کتاب های آسمانی

۴- ایمان به پیامبران الهی

۵- ایمان به روز آخرت

۶- ایمان به قضا و قدر

خداوند متعال ارکان شش گانه ایمان را در قرآن کریم به مراتب ذکر نموده که می توان در دو آیه آن را خلاصه کرد، در سوره بقره آیه ۱۷۷ می فرماید: «لَّيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...» خداوند در این آیه باور به خدا، روز آخرت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران را در تعریف ایمان آورده است. پنج مورد از ارکان شش گانه ایمان را خداوند در این آیه بیان کرده و به رکن ششم آن می توان به آیه

۴۹ سوره قمر اشاره داشت که خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» بی گمان ما همه چیز را به اندازه آفریدیم-.

ارکان شش گانه ایمان را در احادیث صحیح اهل سنت نیز می توان در یک حدیث که به حدیث جبرئیل مشهور است خلاصه کرد؛ جبرئیل در جمع اصحاب پیامبر -صلی الله علیه و سلم- به صورت شخص ناشناخته وارد شد و از پیامبر -صلی الله علیه و سلم- سوالاتی را در مورد اسلام، ایمان، احسان و قیامت پرسید، در مورد ایمان اینگونه پرسید: « قَالَ : فَأَخْبِرْنِي عَنِ الإِيمَانِ ، قَالَ : « أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ ، وَمَلَائِكَتِهِ ، وَكُتُبِهِ ، وَرُسُلِهِ ، وَالْيَوْمِ الآخِرِ ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ « ، قَالَ : صَدَقْتَ» جبریل از پیامبر -صلی الله علیه و سلم- پرسید، ایمان چیست؟ پیامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: باور قلبی به خدا، فرشتگان، کتاب های آسمانی، پیامبران، روز آخرت و باور داشتن به تقدیر را ایمان می نامند.

می توان تعریف و ارکان ایمان را در این حدیث خلاصه کرد که تعریف و ارکان ایمان از دیدگاه اهل سنت آن چیزی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده و در آیات متعددی از قرآن وارد شده است. اما از دیدگاه شیعه ایمان چیست و چه کسی را می توان مؤمن نامید نیاز به بررسی کتاب های مرجع شیعه دارد با بررسی کتاب های حدیثی، فقهی و عقیدتی شیعه تعریف ایمان و مومن کاملا مشخص می شود که چه کسی را می توان مومن نامید و کسی که منکر رکن اضافی یعنی امامت باشد از دیدگاه آنان چه حکمی دارد، این مسایل را در ادامه از کتاب های فقهی و حدیثی و عقیدتی شیعه مورد بررسی قرار می دهم. تا هویت این مذهب خرافی و تکفیری برای همه و خصوصا منادیان وحدت آشکار گردد تا فریب شعارهای وحدت (تقیه مدارا) را نخورند.

ایمان از دیدگاه شیعه

باور شیعه در تعریف و ارکان ایمان با قرآن و احادیث پیامبر -صلی الله علیه و سلم- متفاوت است و رکنی دیگر تراشیده تا بتواند در کنار آن، بقیه مسلمانان را تکفیر کند. رکنی که در قرآن هیچ اشاره ای به آن نشده و حتی در زمان صحابه که بهترین زمانه ها (خیر القرون) بوده نیز این رکن وجود نداشته است. رکنی که سالیانی بعد از وفات پیامبر -صلی الله علیه و سلم- توسط دجالانی چون عبدالله بن سبای یهودی اختراع شد. آنگونه که علمای شیعه و سنی در تاریخ ذکر کرده اند عبدالله بن سبا اولین کسی بود که شالوده امامت را پایه ریزی کرد و امامت به مرور زمان در ریشه اعتقادات شیعه جای گرفت و بدین صورت اصول و فروع دین را تحت الشعاع خود قرار داد که دین بدون امامت از دیدگاه شیعه هیچ جایگاهی ندارد.

تعریف ایمان از دیدگاه شیعه

علمای شیعه ایمان را با عبارات مختلفی در کتاب های اعتقادی، حدیثی، فقهی و رسائل عملیه خود تحت عناوین شرایط امام جماعت، شرایط موذن و مستحقین زکات تعریف نموده که معنا و مفهوم همه آنها یکی است.

نگاهی گذرا و اجمالی به تفاسیر شیعه، معنای



ایمـان را مشخص مـی کنـد کـه شـیعه از ایمـان چـه برداشـت و تعریفـی دارد.

علـی بـن ابراهیـم قمـی از محدثـان، فقیهـان و مفسـران بـزرگ شـیعه و از اصحـاب امـام هـادی و اسـتاد کلینـی و تفسـیر او از تفاسـیر کهـن شـیعه بـه شـمار مـی رود در بسـیاری از آیـات، ایمـان را بـه امامـت و ولایـت امامـان تفسـیر کـرده اسـت: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُواْ بِاللّهِ وَاعْتَصَمُواْ بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ- وهم الذين تمسكوا بولاية أمير المؤمنين والأئمة عليهم السلام».[۱]

رجـب برسـی معـروف بـه حافـظ برسـی فقیـه، محـدث و شـاعر شـیعه عراقـی در قـرن هفتـم و هشـتم واژه «آمنوا» را بـه علـی تفسـیر کـرده اسـت کـه مـی تـوان بـه عنـوان نمونـه بـه مـوارد ذیـل اشـاره داشـت: سـوره هـای نسـاء: ۶، انعـام: ۸۲، اعـراف: ۴۲، یونـس: ۹، کهـف: ۳۰، طـه: ۸۲ نمونـه ای از مـواردی اسـت کـه حافـظ برسـی در کتـاب خـود ایمـان را بـه علـی تفسـیر کـرده اسـت.[۲]

وی در تفسـیر آیـه ۲۲ سـوره نحـل عـدم ایمـان بـه آخـرت را، بـه ولایـت علـی تفسـیر مـی کنـد: « فَالَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ لولاية علي -عليه السلام-»[۳]

کسـانی بـه آخـرت ایمـان نمـی آورنـد کـه دلهایشـان منکـر ولایـت علـی -علیـه السـلام- اسـت.

وی در تفسـیر آیـه ۱۴ سـوره حـج ایمـان را بـه ولایـت علـی تفسـیر کـرده مـی نویسـد: «ان الله يدخل اللذين آمنوا وعملوا الصالحات يعني بالله وبوليه لانه وعدهم الجنة بحب علي» .[۴]

برسـی تحـت آیـه «للذين أحسنوا الحسنى وزيادة» مـی نویسـد: «وليس الايمان الا بولاية علي -عليه السلام-[۵]

ایمـان منهـای ولایـت علـی -علیـه السـلام- اعتبـاری نـدارد.

بـاز بـا نگاهـی دیگـر در کتـاب هـای اعتقـادی شـیعه نیز بـه همـان رویـه بـر مـی خوریـم بـا وجـودی کـه عقیـده در دیـن و مذهـب بـه منزلـه سـتون فقـرات در بـدن انسـان اسـت. علمـای شـیعه در کتـاب هـای اعتقـادی خـود بـه تعریـف ایمـان پرداختـه و امامـت را در تعریـف ایمـان داخـل دانسـته انـد.

شـیخ طوسـی مفسـر، محـدث، فقیـه و از مراجـع و یکـی از نویسـندگان چهـار کتـاب معتبـر شـیعه در قـرن پنجـم، در تعریـف ایمـان چنیـن مـی آورد: «بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي إذا سألك سائل وقال لك: ما الإيمان؟ فقل: هو التصديق بالله و بالرسول وبما جاء به الرسول والأئمة عليهم السلام.[۶]

بـه نـام خداونـد بخشایشـگر مهربـان، و اعتمـادم بـه اوسـت. وقتـی کسـی از تـو پرسـید کـه ایمـان چیسـت؟ بگـو: تصدیـق بـه خداونـد متعـال و بـه پیامبـری محمـد -صلـی الله علیـه و سـلم- و بـه آنچـه او و امامـان -علیهم السـلام- آورده انـد را ایمـان گوینـد.

ابـن مطهر حلـی مشـهور بـه علامـه حلـی از نامـداران مرجعیـت شـیعه در قـرن هشـتم در اثبـات امامـت علـی

-رضـی الله عنـه- مـی نویسـد: «إن الإمامة عندنا من جملة ما هو أعظم أركان الدين، وان الإيمان لا يثبت بدونها»[۷]

امامت از نـگاه شـیعه از بزرگتریـن ارکان دیـن بـه شمار مـی آیـد و ایمـان بـدون امامـت ثابـت نمـی شـود.

باقـر مجلسـی معـروف بـه علامـه مجلسـی یا مجلسـی دوم، از فقیهان و محدثان مشـهور شـیعه و شـیخ الاسلام دوران صفویـت، برائـت و بیـزاری از ابوبکـر، عمـر، عثمان، معاویـه، عایشـه و حفصـه -رضـی الله عنهـم اجمعیـن- را مکمـل ایمـان مـی دانـد و مـی نویسـد: «و اعتقـاد مـا در برائـت از بتهـای چهارگانـه یعنـی ابوبکـر و عمـر و عثمـان و معاویـه، و زنـان چهارگانـه یعنـی عایشـه و حفصـه و هنـد و ام الحکـم، و از جمیـع اشـیاع و اتبـاع ایشـان، و آنکـه ایشـان بدتریـن خلـق خداینـد و آنکـه تمـام نمـی شـود اقـرار بـه خـدا و رسـول و ائمـه مگـر بـه بیـزاری از دشـمنان ایشـان».[۸]

بنـا بـه گفتـه مجلسـی بیـزاری از ابوبکـر و عمـر و عایشـه همسـر پیامبـر؛ بـاور و اعتقـاد شـیعه اسـت و ایمـان (اقـرار) بـه خـدا و پیامبـر و امامـان بـا بیـزاری از ابوبکـر و عمـر و عایشـه -رضـی الله عنهـم- کامـل مـی شـود. و مجلسـی ایـن را عقیـده تمـام شـیعه مـی دانـد.

سـه تـن از علمـای معـروف و نامـدار شـیعه ایمـان را در قالـب یـک تعریـف آورده انـد؛ **محمـد رضـا مظفـر** از فقهـای نامـدار شـیعه قـرن چهاردهـم و معـروف بـه مجـدد، **محمـد جمیـل حمـود عاملـی** از مراجـع معاصـر شـیعی لبنـان و **سـید محسـن خـرازی** عضـو جامعـه مدرسـین حـوزه علمیـه قـم و از علمـای معاصـر، امامـت را اصـل دیـن؛ و اعتقـاد بـه امامـت را مکمـل و متمـم ایمـان مـی داننـد: «نعتقد أن الإمامة أصل من أصول الدين لا يتم الإيمان إلا بالاعتقاد بها».

مـا (شـیعیان) بـاور داریـم امامـت از اصـول دیـن اسـت و ایمـان، بـدون اعتقـاد بـه امامـت کامـل نمـی شـود.[۹] [۱۰] [۱۱]

امیـر محمـد قزوینـی از علمـای معاصـر شـیعه، عنوانـی بـا «علي هو الايمان كله في قول النبي»[۱۲] علی، تمـام ایمـان اسـت) در کتـاب خـود آورده کـه علـی ایمـان اسـت. و در ادامـه همیـن بحـث عـدم پذیـرش ولایـت و امامـت علـی را منافـی بـا ایمـان مـی دانـد: «إن من يكفر بولاية علي وإمامته – عليه السلام– فقد أسقط الإيمان من حسابه وأحبط بذلك عمله».[۱۳]

کسـی کـه منکـر ولایـت علـی و امامـت او باشـد ایمانـش سـاقط و اعمـال وی نابـود مـی گـردد.

بـاز بـا نگاهـی گـذرا بـه کتـاب هـای فقهـی شـیعه نیـز مسـاله ایمـان و عـدم ایمـان در کلام مراجـع، فقهـا و علمـا بـا وضـوح بیشـتری خودنمایـی مـی کنـد. در بـاب شـرایط امـام جماعـت، شـرایط مـوذن و شـرایط مسـتحقین زکات علمـای مذهـب بـه تعریـف ایمـان پرداختـه انـد:

یوسـف بحرانـی از مراجـع بـه نـام و علمـای قـرن دوازدهـم، در مسـاله اذان، ایمـان را بـرای مـوذن شـرط دانسـته و اجمـاع علمـای شـیعه را بیـان مـی کنـد و حدیثـی را از کتـاب کافـی کلینـی نقـل کـرده «وما رواه في الكافي في الموثق عن عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال « سئل عن الأذان هل يجوز أن



يكون من غير عارف؟ قال لا يستقيم الأذان ولا يجوز أن يؤذن به إلا رجل مسلم عارف» (آن روایت موثقی را که در کافی عمار از امام صادق نقل می کند: که از امام صادق در مورد اذان پرسید: آیا اذان کسی که عارف نیست جایز است؟ امام فرمود: اذان غیر عارف صحیح نمی شود و اذان کسی که معرفت اهل بیت داشته باشد صحیح و جایز است. در ادامه یوسف بحرانی در تعریف ایمان می نویسد: «وظاهر الخبر اشتراط الايمان فإن لفظ العارف في الأخبار إنما يطلق على العارف بالإمامة كما وقع في مواضع عديدة منها وهو الذي اختاره الشهيدان» در روایت، ایمان شرط قرار داده شده زیرا در روایات عارف بر کسی اطلاق می شود که اعتقاد به امامت داشته باشد. و این در بسیاری از روایات مشهود است آنگونه که شهید اول و شهید ثانی این نظر را اختیار کرده اند.[۱۴]

محمد بن حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی از عالمان شیعه در قرن یازده و دوازدهم قمری و از شخصیت‌های دوره صفویه، اثناعشری بودن را در تعریف ایمان می آورد و می نویسد: «قلت: و يشترط الايمان، فلا عبرة بأذان غير الاثني عشريّ و إن وافق أذانهم، لأنّه ليس أمينا،»[۱۵] (می گویم: ایمان موذن شرط صحت آن است و اذان غیر دوازده امامی هیچ اعتباری ندارد اگر چه با اذان آنها هم موافق باشد زیرا او امانت دار نیست.

علما، فقها و اندیشمندان شیعه در مسایل نماز نیز یکی از شرایط امام جماعت و یا نائب او، ایمان را به پذیرش امامت امامان دوازده گانه تفسیر کرده اند.

شهید اول از فقهای نامی و مجتهدان شیعه در قرن هشتم، ایمان را از شرایط امام جماعت می داند و در تعریف آن می نویسد: « الاول أهلية الامام بايمانه وعدالته... فلا تصح امامة الكافر ولا المخالف للحق وان كان مستضعفا»[۱۶]

شرط اول اهلیت ایمان و عدالت امام جماعت است... پس امامت کافر و مخالف حق (سنی) صحیح نیست هر چند از مستضعفان آنان باشد.

شهید ثانی فقیه نامدار شیعی در قرن دهم و از نوادگان حلی در شرایط امام جماعت با صراحت به تعریف ایمان پرداخته می نگارد: «الإيمان... فلاتجوز امامة غير الإمامي من المبتدعة –سواء أظهر بدعته أو لا– اجماعا».[۱۷]

از شرایط امام جماعت ایمان است، و در ادامه می نویسد: بنابر این امامت شیعه غیر امامی از اهل بدعت به اجماع علمای شیعه جایز نیست.

باقر مجلسی نیز ایمان را به اصول خمسه (توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت) تفسیر می کند و در این باره اجماع علمای شیعه را ذکر می کند و می نویسد: «ثم أعلم أنه لا خلاف بين الأصحاب في اشتراط إيمان الامام وعدالته، والايمان هنا الاقرار بالأصول الخمسة على وجه يعد إماميا،»[۱۸]

بدان که هیچ اختلافی میان علمای شیعه در مساله شرط ایمان برای امام جماعت و عدالت وی نیست و ایمان در اینجا به معنی اقرار به اصول پنجگانه

(توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) است به صورتی که فرد امامی به حساب آید.

یوسف بحرانی ایمان را از شرایط امام جماعت می شمارد و در تعریف ایمان می نویسد: « الثالث: الایمان وهو عبارة عن الاقرار بالأصول الخمسة التي من جملتها امامة الأئمة الاثنی عشر –علیهم السلام ولا خلاف بين الاصحاب في اشتراطه »[19]

سوم: ایمان، عبارت است از اقرار به اصول پنج گانه که امامت یکی از آنان است. و در اینکه جزو شرایط امامت جماعت است هیچ یک علما در این مورد اختلاف ندارند.

فاضل هندی نیز مانند اسلاف و گذشتگان خود در شرایط امام جماعت راه آنان را پیموده و اهل سنت را از تعریف ایمان خارج می داند می نویسد: «الثاني: اتّصاف الإمام بالبلوغ، و العقل، و طهارة المولد، و الإيمان ... و لا يجوز إمامة الصغير و إن كان مميّزا على رأي إلّا في النفل، و لا إمامة المجنون، و يكره بمن يعتوره حال الإفاقة، و لا إمامة ولد الزنا، و يجوز ولد الشبهة، و لا إمامة المخالف».[20]

دومین شرط امام جماعت بلوغ، عقل، نسب صحیح، و ایمان است... بنابر این امامت کودک، دیوانه... و امام مخالف (سنی) جایز نیست.

با تعریفی که فاضل هندی از ایمان دارد مخالف (اهل سنت) را از تعریف ایمان خارج دانسته و نماز پشت سر امام سنی را به هیچ وجه جایز نمی داند زیرا از دیدگاه او و بقیه علمای شیعه، امام سنی ایمان ندارد.

جواد عاملی فقیه اصولی و از علمای رجالی معروف و نامدار قرن دوازدهم، ایمان را شرط نائب امام جماعت می داند و اقرار به امامت دوازده امام را در تعریف ایمان می آورد: «والإيمان عندنا إنما يتحقق بالاعتراف بإمامة الأئمة الاثني عشر (عليهم السلام)»[21]

- ایمان از دیدگاه ما شیعیان با اقرار به امامت دوازده امام تحقق می یابد.

آیت الله محسن حکیم از مراجع معاصر عراق، ایمان را یکی از شرایط امام جماعت می داند و در تعریف ایمان می آورد: «الايمان الحاصل بالاعتراف بامامة الأئمة الاثني عشر (ع)، فانه شرط. إجماعا، حكاه جماعة. »[22]

ایمان، حاصل اعتراف به امامت امامان دوازده گانه است و این شرط اجماعی علمای شیعه است آنگونه که جمعی از علما آن را نقل کرده اند.

نکته:

به خاطر وجود تقیه مدارا (وحدت) در میان شیعیان، امروزه علما و مسئولان کشور به خاطر جذب اهل سنت به شیعه؛ با نقل و ذکر روایاتی از کتاب های شیعه به این مساله اشاره داشته اند خصوصا در هفته وحدت ۱۳۹۵ در تابلوها و پلاکاردهای هفته وحدت، این حدیث در سطح کشور به وفور به چشم می خورد: (امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که با آنان [یعنی اهل سنت] در صف اول [جماعت] نماز بگزارد، مانند کسی است که پشت

سر رسول الله نماز بخواند.) و با سیاه نمایی و وحدت دروغین با اهل سنت به روایاتی استناد می کنند که بنای آن ها بر تقیه است به بخشی از اینگونه روایات در کتاب های مرجع عقیدتی و فقهی شیعه پرداخته می شود که علمای امامیه این مساله را در باب تقیه ذکر کرده اند.

محمد بن یعقوب کلینی معروف به ثقه الاسلام کلینی از محدثان بزرگ شیعه در عصر غیبت صغری، در کتاب معتبر خود کافی که از معتبرترین مجموعه روایی شیعه و از کتب اربعه به حساب می آید می نویسد: « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.»[۲۳] از ابوعبدالله امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «کسی که با آنان [یعنی اهل سنت] در صف اول [جماعت] نماز بگزارد، مانند کسی است که پشت سر رسول الله نماز بخواند».

محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی، مؤلف و خوش نویس اواخر دروه صفوی که به آقا هادی و هادی مترجم نیز شهرت داشته شرحی بر فروع کافی نوشته که این حدیث را در بابی تحت عنوان «باب الصلاة خلف من لا يقتدى به»[۲۴] باب، نماز پشت سر کسی که به او اقتدا جایز نیست) آورده است. و در ابتدا باب این چنین می نگارد: «اتفق الاصحاب على استحباب حضور الجماعة اهل الخلاف تقية» علمای شیعه حضور در نماز جماعت اهل خلاف (اهل سنت) را بنابر تقیه مستحب می دانند. و خود این را از باب تقیه می داند و بعد از نقل چند حدیث، به ذکر حدیث فوق می پردازد.

محمد بن علی بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، از علمای شیعه در قرن چهارم هجری قمری که از بزرگ‌ترین محدّثان و فقیهان شیعه به حساب می آید در کتاب الهدایه خود در باب تقیه[۲۵] حدیث مذکور را می آورد که نماز در صف اول با اهل سنت مانند نماز پشت سر رسول الله است.

شیخ صدوق در کتاب اعتقادات خود حدیث فوق را نیز در باب تقیه «باب الاعتقاد فی التقیه»[۲۶] از علی -رضی الله عنه- می آورد که علی چنین گفته است.

روح الله خمینی بنیان گذار انقلاب ۵۷ خورشیدی در ایران و مرجع تقلید، نیز حدیث مذکور را در رساله تقیه «رسالة في التقية» خود ذکر می کند. و روایاتی دیگر از این قبیل می آورد و در آخر می نویسد: «الى غير ذلك مما هو صريح او ظاهر في الصحة والاعتداد بالصلوة تقية»[۲۷] و بسیاری از این قبیل روایات صریح و صحیح الظاهر وجود دارد که همه این روایات بر تقیه دلالت می کنند.

محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ حُرّ عاملی و صاحب وسائل، محدث و فقیه امامیه در قرن یازدهم هجری در کتاب معروف خود در بابی تحت عنوان « باب استحباب حضور الجماعة خلف من لا يقتدى به للتقية والقيام في الصف الأول معه»[۲۸] که نام باب خود بیانگر تمام روایات این باب

است حدیث فوق و احادیث دیگری را در این راستا بیان می کند که نماز پشت سر اهل سنت چه ثواب و فضایلی دارد. حال آنکه خود نویسنده و سایر علمای شیعه تمام این روایات را در باب تقیه درکتاب های خود آورده اند.

ادامه دارد...

پانویس:

(۱) علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، قم: نشر موسسه امام مهدی، چاپ اول ۱۴۳۵ قمری، ج ۱ ص ۲۳۴.

(۲) رجب برسی، الدر الثمین فی خمسمائة ایة نزلت فی مولانا امیر المؤمنین، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول ۱۳۲۴ هـ ق - ۲۰۰۳ میلادی، صفحات ۷۲. ۹۷. ۱۰۰. ۱۲۶،۱۴۴. ۱۴۵.

(۳) همان ص ۱۶۳.

(۴) همان ص ۱۷۳.

(۵) همان ص ۱۲۶.

(۶) محمد بن حسن طوسی، الرسائل العشر، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۱۰۳.

(۷) حسن بن یوسف مطهر حلی، الالفین فی امامة امیر المؤمنین، کویت: مکتبة الالفین ۱۴۰۵ هـ ق- ۱۹۸۵ میلادی، ص ۴۶.

(۸) محمد باقر مجلسی، حق الیقین، قم: انتشارات سرور ۱۳۹۳ هـ ش، ص ۸۳۱ و ۸۳۲.

(۹) محمد رضا مظفر، عقائد الامامیه، ص ۵۴.

(۱۰) محسن خرازی، بدایة المعارف الإلهیه، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ دهم ۱۴۲۳ هـ ق. ج ۲ ص ۵.

(۱۱) محمد جمیل حمود، الفوائد البهیة فی شرح عقائد الامامیة، بیروت: منشورات اعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۴۲۱ هـ ق - ۲۰۰۱ میلادی، ج ۲ ص ۷.

(۱۲) امیر محمد قزوینی، الشیعة فی عقائدهم وأحکامهم، بیروت: دار الزهراء، چاپ چهارم ۱۴۱۳ هـ ق - ۱۹۹۳ میلادی، ص ۲۴.

(۱۳) همان ۲۴.

(۱۴) یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۵ هـ ق - ۱۹۸۵ میلادی، ج ۷ ص ۳۳۳.

(۱۵) محمد بن حسن اصفهانی، کشف اللثام عن قواعد الأحکام، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۳ ص ۳۶۴.

(۱۶) شهید اول، البیان، قم: نشر محقق، چاپ اول ۱۴۱۲ هـ ق، ص ۲۲۸.

(۱۷) شهید ثانی، ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، قم: نشر موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۴ ص ۳۸۸.

(۱۸) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم ۱۴۰۳ هـ ق - ۱۹۸۳ میلادی، ج ۸۸ ص ۲۴.

(۱۹) یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۵ هـ ق - ۱۹۸۵ میلادی، ج ۱۰ ص ۴.

(۲۰) محمد بن حسن اصفهانی، کشف اللثام عن قواعد الأحکام، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۴ ص ۴۴۰ و ۴۴۱.

(۲۱) محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول ۱۴۲۲ هـ ق. ج ۸ ص ۲۵۷.

(۲۲) محسن طباطبایی حکیم، قم: موسسه دار التفسیر، ج ۷ ص ۳۱۸.

(۲۳) الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ خورشیدی، ج ۳ ص ۳۸۰.

(۲۴) شیخ صدوق، الهدایه، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم - تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ ۱۳۷۷، ص ۹.

(۲۵) محمد هادی مازندرانی، شرح فروع الکافی، قم: ناشر دار الحدیث للطباعه والنشر، چاپ دوم ۱۴۳۱ ق - ۱۳۸۹ ش، ج ۳، ص ۲۹۸.

(۲۶) شیخ صدوق، الاعتقادات، قم: ناشر موتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، چاپ اول ۱۴۱۳ ق - ۱۳۷۱ ش، ص ۱۰۸.

(۲۷) روح الله خمینی، الرسائل، ناشر موسسه اسماعیلیان، ربیع الاول ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۸.

(۲۸) حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، قم: نشر موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ دوم ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۲۹۹.

چکیده اخبار ماه گذشته

سنی آنلاین: مولانا محمدحسین گرگیج روز جمعه ۶ اسفند در مراسم نماز جمعه اهل سنت آزادشهر، با انتقاد از محدودیت‌های برون‌استانی شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، رفع این محدودیت‌ها را «خواسته‌ی جامعه اهل سنت» دانست.

سنی آنلاین: محمدقسیم عثمانی در تذکر شفاهی با مورد خطاب قرار دادن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: روزنامه‌های «وطن امروز» و «نود» در روزهای اخیر مطالبی در راستای اهانت به اهل سنت را منتشر کرده اند. وی با تاکید بر این‌که اهانت به اهل سنت بر خلاف منویات مقام معظم رهبری است، اظهار کرد: روزنامه وطن امروز در شماره روز گذشته خود با انعکاس توهین به افراد مورد احترام اهل سنت، به منویات رهبری بی‌توجهی کرده است.

سنی آنلاین: روزنامه‌ی «وطن امروز» در جدیدترین شماره‌ی خود به حضرت ابوموسی اشعری رضی‌الله‌عنه، یکی از اصحاب جلیل‌القدر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم اهانت کرده است. این روزنامه در شماره‌ی جدید خود (یکشنبه ۸ اسفند)، با انتشار مطلبی حضرت ابوموسی اشعری رضی‌الله‌عنه را، که در نزد اهل سنت از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است، [العیاذبالله] «منافق» خوانده است.

فعالان اهل سنت ایران: یکی از نمازگزاران نماز خانه اهل سنت سلمان فارسی تاجر آباد در مشهد در پیامی ضمن ابراز نگرانی از خطر پلمپ نهایی این مکان عبادی اهل سنت در تاجر آباد مشهد گفت: متاسفانه بعد از انتشار این خبر از شش ماه قبل نهادهای امنیتی فشارهای مضاعفی را بر هئیت امنای این نماز خانه آورده اند که تحمل آن در توان آنها نیست.

سنی آنلاین: فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی، شنبه ۱۴ اسفند در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس، نسبت به سخنان روز گذشته نماینده مردم مشهد اعتراض کرد و از رئیس مجلس خواست «هر چه سریعتر» به این موضوع رسیدگی کند. در روز جمعه ۱۳ اسفندماه جواد کریمی قدوسی نماینده مشهد در سخنرانی قبل از خطبه نماز جمعه مشهد ضمن صحبت و سخنرانی، بدترین تهمت‌ها و توهین را به بزرگان دین، خلفای راشدین و مقدسات اهل سنت اظهار نموده است.

کمپین فعالان بلوچ: شامگاه پنجشنبه ۱۲ اسفند پنج دانشجو از شهرستان خاش که "جهت تفریح" با خودرو شخصی خود به سمت خارج از شهر به سمت جاده ایرانشهر در حرکت بودند توسط ماموران نیروی انتظامی مورد شلیک قرار گرفتند. یکی از آسیب دیدگان در شرح ماجرا با انتشار ویدیویی



چکیده اخبار ماه گذشته

گفت: "ماموران لباس شخصی داشتند و ابتدا زیر خودرو خارک انداخته و لاستیک ماشینمان را پنچر کردند و بعد بدون ایست به سمت ما آتش گشودند و به فریادهای ما که میگفتیم بی گناهیم و دانشجوییم گوش نمیدادند." وی افزود: "ماموران تا نیم ساعت به سمت ما تیر اندازی می کردند و آخر پیش ما آمده و قبل از اینکه به آمبولانس زنگ بزنند ما را به باد کتک و ضرب و شتم گرفتند»

سنی نیوز: با استناد به آمار ثبت شده در مراکزحقوق بشری همچون آژانس خبررسانی کُردپا، از ابتدای به قدرت رسیدن دولت تدبیر و امید تاکنون (دوازدهم مردادماه ۹۲ تا پایان اسفند ۹۵)، ۲۱۲ کولبر کُرد در استان کُردستان براثر شلیک نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته و زخمی شده‌اند.

شبکه جهانی نور: علی پژگل فرزند صالح، اهل و ساکن شهرستان بندرخمیر در استان هرمزگان، با اتهامات «عبور غیرمجاز از مرز، تبلیغ علیه نظام، پخش و تکثیر سی دی های علما و سخنرانان تندروی اهل سنت و عضویت در گروه عبدالمالک ریگی» در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۸۹ توسط ماموران اداره اطلاعات دستگیر و در دادگاه عمومی و انقلاب زاهدان محکوم به ۱۵ سال تبعید در زندان خلخال و یکسال حبس تعزیری شد.

کردپا: ستادخبری اداره اطلاعات شهرستان کامیاران با اعزام تنی چند از مأموران لباس شخصی‌اش به منزل خانم سهرابی‌زاده، مادر یک زندانی سیاسی را مورد شکنجه قرار داد. مادر افشین اواخر هفته‌ی گذشته، ۲۵ اسفندماه، از سوی یکی از مأموران اطلاعاتی با نام عباس غلامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و ایشان از ناحیه سر و دست دچار آسیب‌دیدگی شدید شدند.

شبکه جهانی نور: ایوب گنجی روز یکشنبه ۲۴ بهمن ۹۵ به همراه هیأت امناء مسجد حسین آباد و چند نفر دیگر از دوستانش در دادگاه ویژه روحانیت همدان حضور یافتند تا به اتهام جدیدشان رسیدگی شود. براساس حکم دادگاه برای همیشه از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی ممنوع شد و اجازه برگزاری نماز جمعه و جماعت و تبلیغ مسائل دینی را ندارد"

کمپین فعالین بلوچ: صبح شنبه ۲۸ اسفند ماه مسئولان منابع طبیعی با پشتیبانی نیروهای انتظامی زمین های کشاورزی روستای شورو بخش کورین زاهدان را تخریب کرده و چاه های کشاورزان را پلمپ کردند. کورین منطقه روستایی است که اکثر مردم آن فقیر هستند که از طریق کشاورزی امرار معاش می کنند تخریب زمین های کشاورزی آنها باعث بدتر شدن وضع اقتصادی آنها می شود.

نحوه ارسال مقالات به نشریه

خوانندگان گرامی می توانند مقالات خود را با دارا بودن مشخصات ذیل برای ما ارسال دارند:

۱ – مقالات ارسالی نباید پیش از این در جایی منتشر یا ارائه شده باشد.

۲– مقالات باید تحقیق نگارنده و از جایی کپی برداری نشده باشد.

۳– مقالات باید روان و کاربردی و مناسب با جامعه اهل سنت ایران تهیه شده باشد.

۴– مقالات حداقل در ۴ و حداکثر ۶ صفحه A4 در محیط ورد نگاشته شود.

۵– در صورت استناد به مرجعی، در پانویس مشخصات کامل مرجع نوشته شود. نام کتاب، نویسنده، مترجم، محل چاپ، سال چاپ، انتشارات، جلد و صفحه.

۶– مقالات باید دارای محتوای مناسب و مشخصات نگارنده باشد. (برای افراد داخل ایران نام مستعار پذیرفته می شود در صورتی که نام اصلی خود را به مجله بیان دارند.)

۷– بهتر است مقاله با فونت B Nazanin سایز ۱۴ نوشته شود. چون اساس فونت مقالات نشریه است.

۸– هیچ گونه توهینی به اشخاص و مذاهب دینی اهل سنت در مقاله صورت نگیرد.

۹– خوانندگان عزیز می توانند مقالات خود را تا بیستم هر ماه به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

ماهنامه ی راوی حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می دارد.

مقالات دریافتی بعد از تایید اعضای هیئت تحریریه و نقد و بررسی در ماهنامه منتشر خواهد شد.

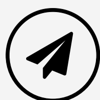
ارتباط عاطفی

من درد مشترکم
مرا فریاد کن
ای دیر یافته با تو سخن می گویم
بسان ابر که با توفان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرنده که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می گوید
زیرا که من
ریشه های تو را دریافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست ...

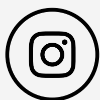
نشریه ی راوی می خواهد تا روایت گر درد تمامی شما باشد.

خوانندگان عزیز و علاقه مندان، صفحات سپید نشریه ی راوی چشم انتظار ارسال دل نوشته ها، خاطرات کوتاه تلخ و شیرین و یا هرگونه مطلب دیگر از شما هست. پیشاپیش دستان گرمتان را می فشاریم.

راه های ارتباط با ما:

کانال تلگرام راوی: Ravi Magazine 

صفحه فیس بوک راوی: www.facebook.com/ravi.magz 

صفحه اینستاگرام راوی: www.instagram.com/ravi.mag 

آدرس ایمیل راوی: ravi.mag@hotmail.com 

تصویر جلد:

مسجد جامع نایین

اصل بنـای تاریخـی مسـجد جامـع نائیـن براسـاس متـون تاریخـی از جملـه مـرآةُ البلـدان کـه درآن نوشـته شـده بنـا بـه دسـتورعمرابن عبدالعزیـز، خلیفـه هشـتم، امویـان کـه دوران خلافتـش از ۹۹ تـا ۱۰۱ بـوده، سـاخته شـده اسـت. مسـجد جامـع نایـین را از آثـار نیمـه دوم قـرن سـوم هجـری قمـری دانسـته‌اند. مســجد جامــع نایيــن از معــدود مســاجد اولیــه شبســتانی اســت کــه کمتــر دسـتخوش تغییـر و تحـول شـده و صـورت اولیـه خـود را تـا امـروز حفـظ کـرده اسـت. سـاختمان اولیـه مسـجد در قـرن دوم هجـری قمـری احـداث شـده کـه شـامل قسـمت زیـادی از مسـجد فعلـی بـوده اسـت. منـاره مسـجد نیـز، بـا توجـه بـه نـوع تزیینـات زیـر نعلبکـی آن، از آثـار دوره سـلجوقی اسـت.